



← هر مز علیپور شاعر به معنای واقعی کلمه اهل دل است. او تجربه زیسته‌اش را و هر تلخی و شیرینی که در زندگی و درونش حس کرده به نظم درآورده و حاصلش اشعاری است که به دل مخاطبان‌ش هم می‌نشیند. علیپور از چهره‌هایی است که جوان‌ترها با اشعارش ارتباط زیادی برقرار می‌کنند و خیلی‌ها او را یکی از شناخته شده‌ترین چهره‌های شعر ناب فارسی می‌دانند. به بهانه هفته کتاب و کتابخوانی سراغ او رفتیم تا هم قصه‌هایی از کتابخوانی‌هایش برایشان تعریف کند هم از حال و احوال کتاب‌های شعر و بازارشان در این روزها بگوید. کتاب‌هایی که به نظر می‌رسد منزوی شده‌اند و بیش از سایر کتاب‌ها از تغییر حال و روز جامعه آسیب دیده‌اند و به حاشیه رانده شده‌اند. گفت‌وگویمان را با هر مز علیپور با همان حال و هوای گرم و شیرین مردم خوزستان بخوانید.

از کجا و با خواندن چه کتابی تبدیل شدید به یک کتابخوان؟

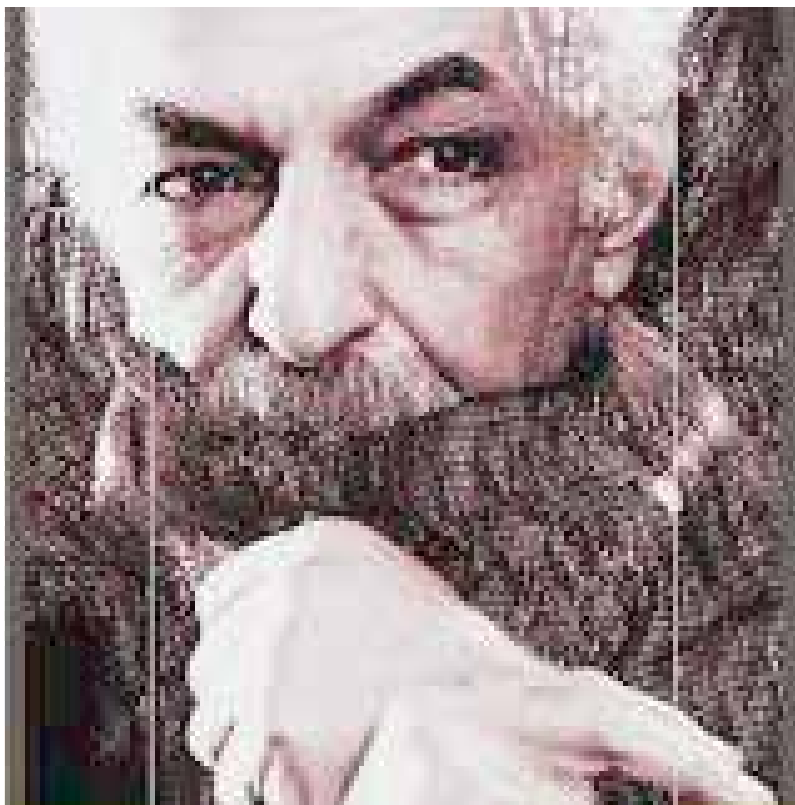
قبل از علاقه‌مند شدن به خواندن کتاب، با مطالعه کتاب به شکل حرفه‌ای و مستمر از کلاس ششم و هفتم با خواندن مجلاتی که از یکی از فامیل‌ها می‌گرفتم، به خواندن و مطالعه علاقه پیدا کردم. کتاب خواندن را با خواندن دو کتاب تنگسیر (صادق چوبک) و سلام برغم (فرانسوا ساگان) که بعدها نوبل گرفت در کلاس نهم، شروع کردم. همسایه پیرمردی داشتیم که کتابخانه کوچکی داشت و از او کتاب می‌گرفتم و می‌خواندم. شعر، رمان، فلسفه. با آنکه نمی‌توانستم دقیقاً سر در بیاورم. ولی می‌خواندم.

هنوز سراغ آن کتاب‌ها می‌روید یا پیش آمده که گاهی آنها را در ذهن‌تان مرور کنید؟

سراغ بعضی از آنها می‌روم و البته خاطره‌هایی دارم. اما چون به‌طور مستمر و مرتب و تازه‌به‌تازه می‌خواندم و می‌خوانم گاه سراغ بعضی کتاب‌های فلسفی که در جوانی می‌خواندم می‌روم، با دقت بیشتر و نگاه جدی‌تر و عمیق‌تر. از جمله یادم هست که کتابی که اگر اشتباه نکنم به زبان ساده بود. از (آرتور شوپنهاور) برایش جذاب بود، هم گفته‌ها، هم عکس او...

یادتان است از چه زمانی حس کردید شاعرید و باید چیزهایی بنویسید؟

با خواندن خلاصه‌ای از کتاب (لیلی و مجنون) نظامی و رباعیات خیام در قطع‌های کوچک و ارزان، حس می‌کردم می‌توانم بنویسم. که این احساس در کلاس دهم جدی و جسورتر شد. شروع کردم به نوشتن دوبیتی و مثنوی و رباعی. از بابت یادگیری و آموزش نه استادی داشتم و نه حتی مشوقی. کلاس یازده یا دوازده با مجله «فردوسی» آشنا شدم که در ۲۰ سالگی هم غزل و هم شعر سپید از من در مطبوعات روشنفکری و عادی چاپ شد و به‌عنوان شاعر



عکس: حسن نصیرقاسمی

هر مز علیپور از حال و هوای شعر و کتاب‌های شعر در این
روزها می‌گوید

شعر؛ ثروت و فقر من است

کور شوم اگر دروغ بگویم

که شیرین گرچه از من دور بهتر
ز ریش من نمک مهجور بهتر.

سجاد گودرزی / شاعر

نظامی

از شرایط بد اقتصادی این روزها که بگذریم دلیلی که بر فروش پایین آثار کلاسیک و شاعران پرفروش دهه‌های چهل و پنجاه هم اثرش را گذاشته و تیراژ این آثار را هم گاه به حداقل رسانده، دلایل متعددی باعث مهجوری شعر شده که ذکر تعدادی از آنها قصه تکراری این سالهاست. داستانی با یک مثلث عشقی از شاعر و ناشر و مخاطب.

و اما از آخر

مخاطب

اصولاً چه در گذشته و چه در حال شعر جدی و سازنده هنری

شاعر

سفارش نظامی عروضی به شاعران جوان آن روزها این بوده است: «در عنفوان شباب و در روزگار جوانی بیست هزار بیت اشعار متقدمان یاد گیرد و ده هزار کلمه از آثار متأخران پیش چشم کند و پیوسته دواوین استادان همی خواند و یاد همی گیرد که در آمدن و بیرون شدن از مضایق و دقایق سخن بر چه وجه بوده است تا طریق و انواع شعر در طبع او مرتسم شود.» گرچه در دوران مدرن بواسطه اسطوره زدایی که از شعر شد و باعث شد شعر برخی تعهدات اجتماعی خود را به رسانه‌های دیگر واگذار کند و برای خوانندگان کارکرد شخصی پیدا کرد و باعث شد همه خود را شاعر بدانند و فضای مجازی هم در این آتش دمید، اما فقدان نقدهایی که پشتوانه نظری محکمی داشته باشند نیز علتی شد که روز به روز به خیل عظیم شاعران، شاعر اضافه شود. کسانی که انگار شعرهایشان را از روی دست هم نوشته‌اند و بگذریم که از این میان عده قلیلی از شاعران با لطائف‌الحیل کتاب‌هایشان

نخه‌گراست و سطح بینش و آگاهی بالایی را نیاز دارد، امروزه که به نظر داستان از اقبال عمومی بیشتری برخوردار است و طیف بیشتری از مخاطب را جذب می‌کند مزید بر علت شده که شعر بیشتر از همه زمان‌ها و در همه جای جهان در وضعیت حاشیه‌ای تری قرار بگیرد. فقدان رسانه‌ای قوی برای ساختن الگویی مناسب و انتشار خیل مطالب سطحی و بی‌مایه در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی باعث شده مخاطب به دنبال مطالب سراسری برود که نیاز به اندیشیدن ندارد. عموم مخاطبین کم حوصله این روزها به دنبال کتابی هستند که نیاز به درنگ و تأمل نداشته باشد، در صورتی که شعر جدی شعری است که علاوه بر تفکر نیازمند دانستن پیشینه ادبی مناسبی از جریان‌های ادبی گذشته و امروز است، به‌عنوان مثال چه انتظاری می‌توان داشت از مخاطبی که شش دهه بعد از نیما هنوز با طرح نوبی که نیما در انداخته بیگانه‌است و یک آگاهی سطحی در حد بی‌وزنی از شعر آزاد دارد.